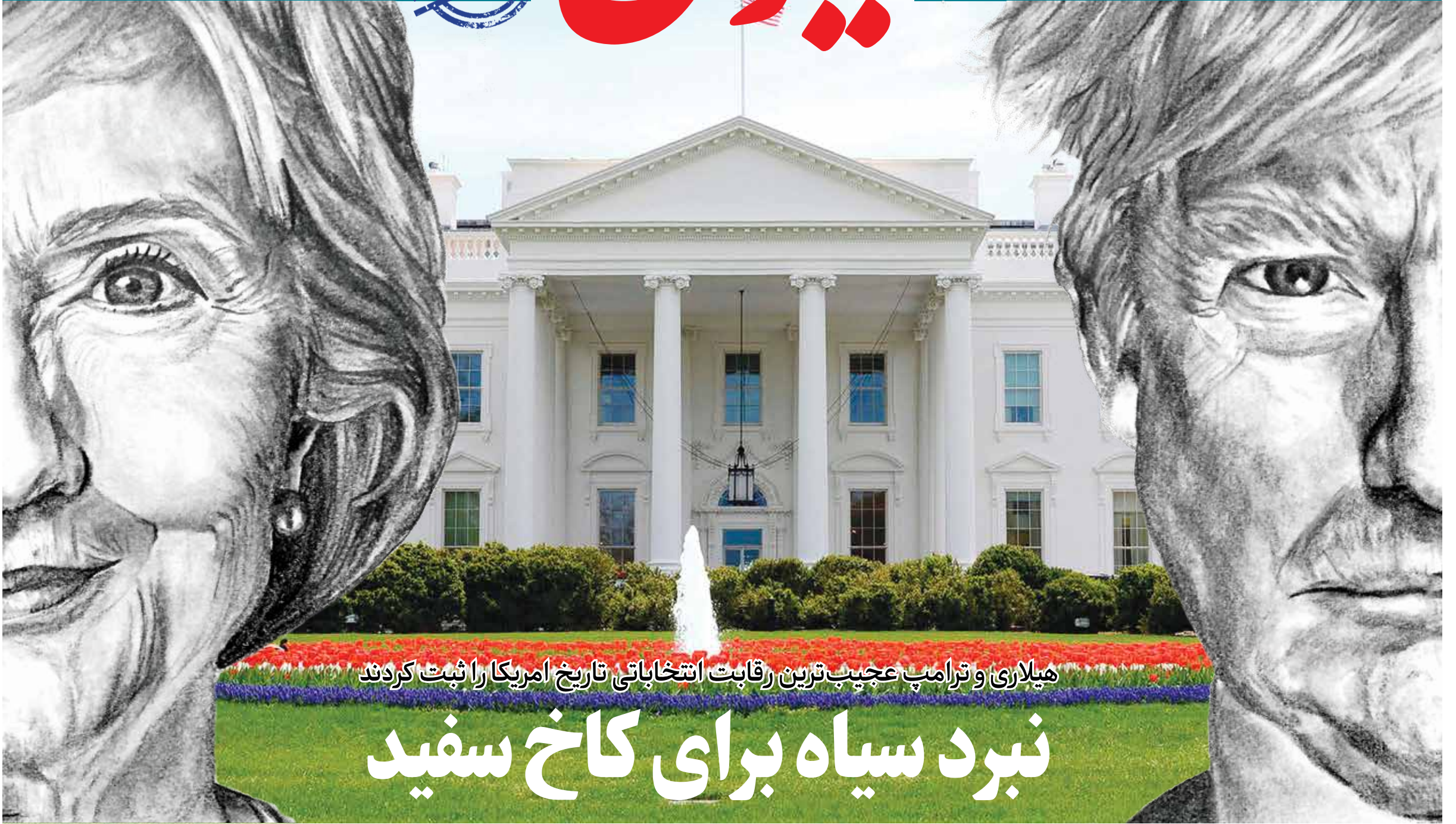


ایران

انتخابات آمریکا ۲۰۱۶



هیلاری و ترامپ عجیب‌ترین رقابت انتخاباتی تاریخ آمریکا را ثبت کردند

نبرد سیاه برای کاخ سفید

انتخابات آمریکا و بازیگری به نام پوتین



به ضرورت کاندیدایی شدت متفاوت و بهره‌مند از مبانی ارزشی و صلاحیت رهبری از جنس رونالد ریگان و فرانکلین روزولت در سال ۲۰۲۰ به کاخ سفید پای خواهد گذاشت.

پوتین بازیگر انتخاباتی

فقر موضوعی که از ویژگی‌های بارز انتخابات ۲۰۱۶ است، محققا در تاریخ مدرن انتخاباتی که بیش از یک سده را دربرمی‌گیرد، با بدی نظیر ترسیم شود. البته واقعیتی که به نام فقر موضوعی در خلا شکل نگرفته است بلکه پیامد مستقیم و برجسته ناآرامی انکارناپذیر طبقه سیاسی حاکم بر کشور است که کاندیداهایی را به‌عنوان گزینه در برابر شهروند ممکن ساخته‌اند که کمترین میزان وجهت اخلاقی، قلیل‌ترین سرمایه روشن‌فکری، حقیرترین اعتبار شخصیتی و نوین‌ترین ناتوانی را در مفصل‌بندی اصول و ارزش‌های مورد نیاز برای غنا بخشیدن به سیاستگذاری عمومی و ظرفیت بخشی به بسج منابع انسانی، مادی، مدیریتی و هنجاری را به صحنه آورده‌اند.

در شرایطی که فقر موضوعی از سوی کاندیدها محرز و فقر نخبگان سیاسی از نقطه نظر مطرح کردن کاندیداهای با صلاحیت و انعکاس گر مبانی ارزشی و فرهنگی بر همگان آشکار است، پرواضح است که ابتذال فضای انتخاباتی را دربرگیرد. با به قدرت رسیدن باراک اوباما تیم سیاست خارجی آمریکا آغازی بود که جمهوری اسلامی ایران مطلوب و سیاست منطقه‌ای باشد. البته هیچ‌کدام از دو نامزد ریاست جمهوری آمریکا برای ایران مطلوب نخواهند بود ولی خانم کلینتون با وجود برخی نگاه‌های منفی‌انگ نسبت به ایران، از روشی قاعده‌مند برخوردار است که به ایران امکان ارزیابی قبلی و اتخاذ تصمیم مناسب را می‌دهد.

ادامه در صفحه ۱۵

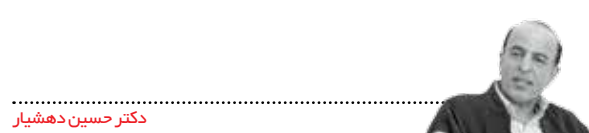
طبقه سیاسی حاکم آمریکا در طول بیش از دو سده عمر این کشور (به استثنای جنگ داخلی) همیشه با یکبارگی بی‌نظیری در نقش صافی در راستای استحکام هرچه تمام‌تر ساختار قدرت سیاسی در بستر انتخابات ورود به کاخ سفید را برای بهترین‌های طبقه سیاسی ممکن می‌ساخت، اما انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ در وسیع‌ترین شکل ممکن بحران اخلاقی سیاسی آمریکا در آن غوطه ور شده‌اند، به نمایش گذاشته است.

دو کاندیدایی که برای کسب مقام ریاست جمهوری با یکدیگر به رقابت پرداخته‌اند از کمترین وجهت اخلاقی و صلابت روشن‌فکرانه برای سکونت در کاخ سفید برخوردار هستند. دونالد جان ترامپ فاقد سرمایه روشن‌فکرانه و تئوریک برای هدایت حزبی است که ابراهام لینکلن قهرمان ضدیت با نهاد برده‌داری در قرن نوزدهم و رونالد ریگان نصاب مبارزه با ایدئولوژی کمونیسم به رهبری شوروی در قرن بیستم و دونالد جان ترامپ که هیچ‌گونه سختی و علقه‌ای با ارزش‌های محافظه‌کاری ندارد در برابر رای «دهندگان قرار داده است.

هیلاری کلینتون از کمترین اصالت ارزشی لیبرال و فزون‌ترین فساد در مقام کاندیدای حزب دموکرات در یکصد سال اخیر برخوردار است از نظر طبقه سیاسی حاکم از این‌شان بهره‌مند است که یکی از دو گزینه ورود به کاخ سفید باشد.

هیلاری کلینتون در مسیاری از جهات از ریچارد نیکسون که مجبور به استعفا و ترک کاخ سفید شد و بیل کلینتون که در برابر سنای آمریکا محاکمه شد، از لحاظ اخلاقی و رفتاری دون‌مایه‌تر است اما با وجود وقوف به این واقعت نخبگان سیاسی آمریکا حمایت رسانه‌ای، مالی و قانونی را نصیب او ساخته‌اند و باراک اوباما به‌عنوان نماد جامعه سیاسی کشور حمایت از انتخاب هیلاری کلینتون را وظیفه تبلیغاتی خود قرار داده است.

کاندیداتوری دونالد جان ترامپ و هیلاری کلینتون بازتاب فقر طبقه سیاسی آمریکا است که محققا باعث شکل‌گیری بیداری سیاسی در آمریکا خواهد شد و



دکتر حسین دهشیر

برای نخستین بار در تاریخ مدرن انتخاباتی آمریکا ویژگی‌های شخصیتهای کاندیداها و عملکرد نخبگان سیاسی حاکم شرایطی را شکل داده که رهبر کشوری دیگر در جایگاه معیار و شاخص برای تعیین وجهت اخلاقی ضروری برای ورود به کاخ سفید قرار گرفته است. محیط انتخاباتی به درجه‌ای از ابتذال نزول کرده که رای‌دهندگان آمریکایی برای تعیین تصمیم‌گیری در خصوص جهت رای خود می‌بایستی هراس از نیرویی خارجی را داشته باشند.

موجودیتی خود را فرصت وجهت یافتن و اعتبار اعطا می‌کند.

از سویی دیگر هر زمان محرز شود، فرد، نهاد یا ارزشی جایگاه طبقه سیاسی را در جامعه مواجه با تزلزل می‌سازد، تمامی منابع در اختیار، بسیج می‌شوند تا این چالش برطرف شود. فرانکلین روزولت بحران اقتصادی عمیق و گسترده سال ۱۹۲۸ را که نظم حاکم را بشدت آسیب‌پذیر ساخته بود، با جابه‌جایی وسیع در اندیشه‌های حاکم اقتصادی مهار ساخت. لیندون جانسون از حمایت کلیت نخبگان سیاسی برخوردار شد تا بحران اجتماعی عمیقی که جامعه را دربر گرفته بود، با توفیق در تصویب قوانین مرتبط به طرح «جامعه بزرگ» مدیریت کند.

رونالد ریگان چالش ایدئولوژیکی جهانی را که آمریکا در صحنه بین‌المللی به رونو بره بود، در بستر حمایت اکثریت طبقه سیاسی برای همیشه از میان برد. روزولت، جانسون و ریگان از بسیج منابع به وسیله نخبگان سیاسی برخوردار شدند تا خطرات اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی که ساختار قدرت حاکم را در معرض تهدید جدی قرار داده بود، بی‌اثر سازند. ریچارد نیکسون که در نقش مبارز ضد کمونیست از زمان معاونت دوایت آیزنهاور تا جایگاه رئیس جمهوری، فزون‌ترین تأثیرات را در تضعیف نظام کمونیستی و تشدید انشعاب در آن انجام داده بود، به دنبال ماجرای واترگیت سیستم سیاسی آمریکا را دچار بحران شدید مشروعیتی ساخت. با توجه به این‌خطر بود که طبقه سیاسی حاکم برای حفظ جایگاه خود و تداوم ثبات سیاسی رئیس جمهوری را با وجود پیروزی انتخاباتی قاطع برای بار دوم در سال ۱۹۷۲ مجبور به استعفا کرد.

نخبگان سیاسی آمریکا نقش بسیار حیاتی در بنیان گذاشتن چندمان جامعه و وجهت بخشیدن به مبانی ارزشی - تفسیری مردم از همان آغازین شکل‌گیری کشور ایفا کرده‌اند.

قانون اساسی آمریکا به‌عنوان قدیمی‌ترین قانون اساسی جهان که در سال ۱۷۸۷ در کنوانسیون فیلادلفیا مورد بحث و مباحثه پنجاه و پنج نماینده حاضر قرار گرفت برجسته‌ترین سمبل این تعیین‌کنندگی باید در نظر گرفته شود؛ هر چند که این شهروندان آمریکایی هستند که از طریق مکانیزمی به نام حضور در پای صندوق‌های رای با همه پرسشی ارزش‌ها و نهادها را مشروعیت و اعتبار می‌بخشند اما این نخبگان هستند که در جایگاه «صافی» گزینه‌های در صحنه را فرصت تجلی می‌بخشند، معنا اعطا می‌کنند و به تبع این واقعیات نوع و کیفیت «محصول» پایانی را رقم می‌زنند.

معیار وشخاصی که بر اساس آن طبقه سیاسی تصمیمات خود را قوام می‌دهد، همانا حفظ، تداوم و استحکام ساختار قدرت مستقر است. از ۱۸۶۵ تاکنون طبقه سیاسی با وجود تنوع فکری، جغرافیایی، حزبی، سازمانی و منفعتی، انسجام و یکپارچگی عمیق و مطلوب‌ترین چارچوب کارآمدتر ساختن هر چه پیشتر سیستم سیاسی متجلی ساخته است. اصل نظم‌دهنده این انشعاق نظر همانا اعتقاد به سیستم سرمایه‌داری به‌عنوان مظهر هویت بخش اجتماعی و مطلوب‌ترین چارچوب برای انباشت ثروت و به تبع آن تداوم حاکمیت طبقه سیاسی است. این طبقه با استفاده از مکانیزم‌های قانونگذاری، رسانه‌ای، مالی و معناسازی در اختیار، افراد، ارزش‌ها و نهادهای متناسب با نیازهای

نگرانی جهان از انتخابات آمریکا

هرماه و شاید هر هفته در گوشه‌ای از جهان انتخاباتی صورت می‌گیرد تا فردی بر مسند ریاست جمهوری کشوری تکیه زند و بتواند از جانب مردم، امور آن کشور را راهبری کند، اما برخی کشورها دارای موقعیت و پتانسیل مخصوصی هستند که علاوه بر تأثیرگذاری روی کشور و مردم خود، می‌توانند بر محیط اطراف و حتی جهان اثرگذار باشند. کشورهای نظیر ایران که دارای موقعیت استراتژیک و ژئوپولیتیک در خاورمیانه هستند، هر گاه از حکومتی مستقل و ملی برخوردار بوده‌اند، توانسته‌اند از نقش و نفوذ تأثیرگذاری در خاورمیانه و در جهان برخوردار باشند. از سوی دیگر کشورهایی که از قدرت نرم افزاری یا سخت افزاری چشمگیری در سطح جهان برخوردار

بوده‌اند، توانسته‌اند سرنوشت جهان را رقم زده و امنیت بین‌الملل را تحت تأثیر قرار دهند. جهان شاهد نمونه‌ای از این انتخابات در آمریکا خواهد بود که به مدد قدرت اقتصادی، علمی، تکنولوژیک و نظامی، این کشور به نوعی یکی از بازیگران اصلی امنیت جهانی محسوب می‌شود. به همین جهت انتخابات آمریکا، نه‌تنها برای مردم این کشور اهمیت دارد، بلکه برای سایر ملل نیز بسیار مورد توجه است. اما این انتخابات در تاریخ آمریکا کاملاً بی‌سابقه است زیرا کاندیدایی در آن حضور دارد که علاوه بر متخصص نبودن نهادن در نتیجه انتخاباتی از آن هم‌اکنون زیر سؤال برده است. همین امر باعث نگرانی درون و خارج از آمریکا شده است و دولتمردان حاضر و سابق آمریکا را به تکاپو انداخته که به هر ترتیب از پیروزی ترامپ جلوگیری کنند؛ زیرا امکان تصمیماتی حساب‌شده و برخلاف عرف بین‌الملل توسط نامبرده وجود دارد و می‌تواند سرنشأ ناپایداری و بی‌ثباتی فراوانی در جهان حاضر شود.

در این راستا رهبران حزب جمهوریخواه آمریکا به عنوان یک حادثه استثنایی، به جای پشتیبانی از کاندیدای خود، از رقیب دموکرات یعنی خانم کلینتون حمایت کرده‌اند که به نوعی خودکشی برای حزب جمهوریخواه به‌شمار می‌رود. به هر حال تا هفته قبل هیلاری کلینتون هم از نظر تعداد آرا و هم از نظر تعداد الکترال در ایالت‌ها در ترامپ جلوتر بود، ولی موضوع ۶۵۰ هزار ایمیل یکی از دستیاران هیلاری کلینتون باعث شد، بدون توجه به محتوای موضوع، طوفانی سهمگین علیه هیلاری کلینتون در جامعه آمریکا وزیدن بگیرد و میزان محبوبیت وی را تا حدودی کاهش دهد. نگاهی به پیشینه هردو نامزد از درجه رسانه‌های آمریکایی نشان می‌دهد، خانم کلینتون مظهر پیروی از تکنوکرات‌ها و نظرات کارشناسی است در حالی که ترامپ مظهر پیوپولیستی و راضی نگه داشتن عوام در جامعه آمریکا محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، امکان دارد همچون فراندوم اخیر در بریتانیا که احساسات بر نظرات تخصصی و کارشناسی غلبه پیدا کرد و با ۵۲ درصد آرا بریتانیا مجبور به خروج از اتحادیه اروپا شد، در آمریکا هم چنین امری به وقوع پیوسته و احساسات عوام بر نظرات کارشناسی و ملاحظات امنیت ملی آمریکا پیشی بگیرد و آقای ترامپ پیروز از صندوق‌های انتخابات بیرون آید. چنانچه این امر به وقوع پیوندد، همه بازیگران بین‌المللی از چنین انتخاباتی دچار نگرانی شده و می‌توان گفت حداقل ۴ سال اضطراب بر جامعه جهانی سایه خواهد انداخت. در عصر حاضر مسائل مهم جهانی و بویژه مسائل پیچیده خاورمیانه نیازمند تجربه طولانی و وقوف و آگاهی بر ریشه‌های مسائل به وجود آمده و استفاده از هماهنگی و همکاری با بازیگران منطقه‌ای جهت رفع این قبیل مشکلات است. مهم‌ترین مسأله حاضر جهان، تروریسم و افراط‌گری گروه‌هایی همچون داعش و القاعده در سطح جهان است که با حرکات ناشیانه و نمایشی نه‌تنها متوقف نمی‌شود، بلکه زمینه رشد و ارتقای آن در سطح بین‌المللی افزایش خواهد داشت.

به غیر از آمریکا، بازیگرانی همچون اتحادیه اروپا که مستقیماً در معرض پناهجویان فراری از مناطق جنگی خاورمیانه قرار دارند و همچنین صحنه نمایش‌های زورآزمایی داعش و القاعده به‌شمار می‌روند، بیش از همه خواهان رئیس‌جمهوری قاعده‌مند و مسلط به حل بحران‌های جهانی از طریق ایجاد جبهه واحد و ائتلاف‌های منطقه‌ای هستند. اما سایر تحولات داخلی آمریکا و مشکلات باقی‌مانده از دوران بحران مالی سال ۲۰۰۸ و همچنین گرایش‌ها بخصوصی که در جامعه آمریکا وجود دارد، باعث می‌شود طرف چند روز آینده، جهان با خبر پیروزی غیرمنتظره ترامپ مجبور به اتخاذ تصمیماتی جدید نه تنها در مقابل تروریسم بین‌الملل بلکه در مقابل تصمیمات نابخردانه ترامپ در سطح جهانی و بویژه در سطح خاورمیانه باشد. در چنین حالتی خردورزی و شکیبایی دوش شرط اساسی برای احاطه بر مسائل و تبعات بعد از چنین پیروزی خواهد بود که جمهوری اسلامی ایران هم به نوبه خود باید در اندیشه اتخاذ کارآمدترین سیاست خارجی و سیاست منطقه‌ای باشد. البته هیچ‌کدام از دو نامزد ریاست جمهوری آمریکا برای ایران مطلوب نخواهند بود ولی خانم کلینتون با وجود برخی نگاه‌های منفی‌انگ نسبت به ایران، از روشی قاعده‌مند برخوردار است که به ایران امکان ارزیابی قبلی و اتخاذ تصمیم مناسب را می‌دهد.

سر مقاله



سید علی خرم
استاد دانشگاه
حقوق بین‌الملل